

[مقدمه واجب 1](#_Toc23601135)

[استحاله واجب معلق 1](#_Toc23601136)

[وجه سوم استحاله واجب معلق: معقول نبودن فعلیت وجوب و استقبالی بودن واجب 1](#_Toc23601137)

[خلاف ارتکاز بودن فرض الوجود بودن قیود اختیاری 2](#_Toc23601138)

[عدم لغویت جعل در واجب معلق 3](#_Toc23601139)

[عدم قدرت بر امتثال در واجب معلق 3](#_Toc23601140)

[شرطیت قدرت در زمان امتثال نه زمان تکلیف 3](#_Toc23601141)

[پذیرش واجب معلق از باب شرط متاخر 4](#_Toc23601142)

**موضوع**: استحاله واجب معلق/واجب معلق /مقدمه واجب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد استحاله شرط متاخر بود. مرحوم نهاوندی و مرحوم اصفهانی، هر کدام یک وجهی را برای استحاله بیان کردند. در این جلسه به بیان وجه استحاله از جانب مرحوم نائینی پرداخته می­شود.

# مقدمه واجب

## استحاله واجب معلق

### وجه سوم استحاله واجب معلق: معقول نبودن فعلیت وجوب و استقبالی بودن واجب

مرحوم نائینی فرموده است: معنای واجب معلق این است که وجوب الان وجود داشته باشد و واجب در آینده باشد. این تفکیک محال است. معقول نیست که وجوب بالفعل باشد ولی واجب در آینده بیاید. در حقیقت همان بیانی که برای استحاله شرط متاخر مطرح کردند در این جا نیز آن را ارائه می­کنند.

به نظر ما اشکالی ندارد که شارع مقدس وجوب را برای چیزی که در آینده می­آید، اعتبار کند. این مطلب را مفصلا در بحث شرط متاخر توضیح دادیم.

بعد یک مطلب دیگری در بحث واجب معلق مطرح کرده است. ایشان فرموده است[[1]](#footnote-1) که هر قید غیر اختیاری و یا قیدی که اختیاری است ولی واجب التحصیل نیستند، باید فرض وجودش شده باشد چون غیر اختیاری است. مثلا نسبت به حج باید این گونه گفته شود: اذا جاء الموسم وجب الحج. تمام قیود غیر اختیاری باید مفروض الوجود باشند. وجهش این است که حکم به شرط سرایت می­کند. تقید که معنا ندارد متعلق حکم باشد زیرا یک عنوان انتزاعی است. پس حکم از تقید به قید سرایت می­کند و چون زمان امر غیر اختیاری است نمی­تواند متعلق حکم قرار بگیرد و باید زمان شرط حکم قرار بگیرد. مثلا بگوید اذا جاء الموسم وجب الحج.

به عبارت دیگر، همیشه چیزی می­تواند قید متعلق باشد باشد که اختیاری باشد و قیدی که غیر اختیاری است یا اختیاری است ولی واجب التحصیل نیست، باید فرض وجودش شده باشد. در این جا نیز این گونه فرموده است: وقتی موسم حج در آینده به وجود می­آید پس باید شارع وجود موسم را در آینده فرض کند و بعد وجوب حج را جعل کند. معقول نیست که وجوب بالفعل باشد و واجب در آینده باشد.

در بحث شرط متاخر ما گفتیم که تعلق حکم به متقید اشکالی ندارد. وقتی قید خودش در آینده حاصل می­شود تعلق حکم به متقید اشکالی ندارد.

این که مرحوم نائینی فرمود: تقید یک امر انتزاعی است و متعلق حکم نمی­تواند قرار بگیرد، ما جواب دادیم که تقید، خودش یک واقعیتی است که می­تواند متعلق حکم قرار بگیرد. پس می­شود که وجوب بر حج متقید به شرط متاخر مترتب شود.

#### خلاف ارتکاز بودن فرض الوجود بودن قیود اختیاری

این که ایشان فرمود: هر قید غیر اختیاری را باید فرض وجود کرد، درست نیست. خلاف ارتکاز است. ما می­توانیم با این که قید غیر اختیاری است می­توان قید متعلق قرار داد و گفته شود که وجوب فعلی است و واجب استقبالی است. اشکالی ندارد که وجوب حج الان باشد و واجب حج فی الموسم باشد. این مطلب محذور عقلی ندارد و هیچ مشکلی ندارد. تنها مشکلی که متصور است، بحث قدرت است که در اعتباریات این مشکله هم مجالی ندارد. زیرا هر چند که در زمان اعتبار و جعل، حج در موسم مقدور نیست اما در زمان خودش که مقدور است. لازم نیست که زمان واجب و زمان وجوب مقارن باشد. چیزی که عقل نسبت به قدرت و در باب اعتباریات می­گوید این است که مطلوبی که مولا از عبد می­خواهد مقدور باشد. حال وقتی شارع می­گوید: حج در موسم را واجب کردم، اگر تا موسم حج زنده می­مانیم که امتثال آن مقدور است. لذا تعلق وجوب به حج در موسم که الان مقدور نیست ولی در موسمش فی علم الله مقدور است محذوری ندارد.

پس این که هر قید غیر اختیاری به موضوع برمی­گردد وجهی ندارد. موسم هر چند غیر اختیاری است، اما این که باید به موضوع برگردد و حکم نیز مشروط به آن زمان بشود، وجهی ندارد.

##### عدم لغویت جعل در واجب معلق

بله، از این جهت که جعل وجوب در زمان حال، یک امر اعتباری است و باید اثر داشته باشد، درست است و در واجب معلق نیز اثر دارد. اثر آن هم این است که مکلف به دنبال مقدمات آن می­رود. از نظر قدرت هم گفته شد که قدرت در زمان امتثال لازم است. در زمان امتثال نیز اگر مکلف قادر بر امتثال باشد، معلوم می­شود که از اول وجوب فعلی بوده است و اگر قادر بر امتثال نبود، معلوم می­شود که از اول وجوبی در کار نبوده است. حتی اگر منکر شرط متاخر بشویم باز هم اشکالی ندارد که وجوب الان باشد و واجب در آینده باشد.

لبّ کلام مرحوم نائینی این است که هر قید غیر اختیاری باید قید حکم باشد لذا نمی­شود که الان وجوب باشد و در واجب در موسم حج باشد. اما به نظر ما این گونه نیست. متعلق حکم بودن قید غیر اختیاری محذوری ندارد.

خلاصه مطلب:

اولا هر قید غیر اختیاری قید حکم نیست. ثانیا قدرت، زمان امتثال لازم است. لذا جعل وجوب فعلی و واجب استقبالی اشکالی ندارد.

##### عدم قدرت بر امتثال در واجب معلق

مرحوم آخوند[[2]](#footnote-2) در ضمن ان قلت و قلت این مطلب را مطرح می­کنند. اگر وجوب فعلی باشد و واجب استقبالی باشد ما قدرت بر امتثال نداریم. (مرحوم آخوند واجب معلق راقبول دارد ولی این مطلب را به عنوان اشکالی مطرح کرده است) لذا بعضی منکر واجب معلق شده اند.

###### شرطیت قدرت در زمان امتثال نه زمان تکلیف

مرحوم آخوند جواب داده است: حاکم بر شرطیت قدرت برای تکلیف عقل است. عقل است که می­گوید: تکلیف به غیر مقدور قبیح است. ﴿لا یکلف الله نفسا الا وسعها﴾[[3]](#footnote-3) هم اشاره به حکم عقل است. چیزی که عقل در این رابطه لازم می­داند، قدرت زمان امتثال است نه این که قدرت زمان تکلیف باشد. مثلا اگر زن حائضی نذر کند که اگر حاجتش برآورده شود، دو رکعت نماز بخواند( نه در حال حیض) در این جا وجوب وفای به نذر جاری است و وقتی پاک شد، به نذرش عمل می­کند.

عقل می­گوید: عجز در زمان امتثال مانع از تکلیف می­شود اما اگر در زمان امتثال عاجز نباشد، محذوری از این جهت برای تکلیف وجود ندارد. اساسا حاکم بر شرطیت قدرت، عقل است. عقل هم قدرت در زمان امتثال را فقط شرط می­داند. لذا اشکالی ندارد که تکلیف الان باشد ولی واجب در آینده باشد( اگر در موسم قدرت وجود داشته باشد). ﴿لا یکلف الله نفسا الا وسعها﴾ نیز همین مطلب را بیان می­کند و بیش از حکم عقل را بیان نمی­کند. یعنی در زمان امتثال نیاز به قدرت داریم. زمان آمدن تکلیف نیاز به قدرت نیست بلکه زمان خواستن مولا نیاز است که قدرت وجود داشته باشد.

به عبارت دیگر، شرطیت قدرت، چه فقط عقلی باشد و چه عقلی و شرعی باشد، شرطیت قدرت برای زمان امتثال است نه این که شرطیت در زمان توجه تکلیف باشد. این مطلب یک امر عقلائی است. مثلا پدری به بچه اش می­گوید برو فلان موارد را بخر برای این که فردا از مهمان پذیرایی کنند.

موید این مطلب( لازم نیست که در هنگام تکلیف قدرت باشد) این است که مرحوم آخوند می­فرمود: قدرت حین تکلیف شرط نیست زیرا همیشه بین تکلیف و امتثال چند آن، فاصله وجود دارد. یعنی باید تکلیف را تصور کند و تصدیق به فایده کند و ..... در حین تکلیف قدرت بر امتثال نیست.

پس چه اخذ قدرت را عقلی بدانیم و چه شرعی بدانیم حین امتثال قدرت لازم است. پس اشکالی ندارد که الان وجوب فعلی باشد و قدرت هم وجود نداشته باشد.

##### پذیرش واجب معلق از باب شرط متاخر

مرحوم آخوند در این رابطه می­فرماید: الان تکلیف فعلی است ولی به صورت شرط متاخر، مشروط به قدرت در زمان امتثال است. هر چند نمی­توان این مطلب را ( در واجب معلق، وجوب، مشروط به قدرت در زمان امتثال واجب است. به گونه ای که اگر شرط متاخر را انکار کردیم، واجب معلق هم انکار شود) به مرحوم آخوند به صورت قطعی نسبت داد ولی ایشان فرموده است.« غاية الأمر يكون من باب الشرط المتأخر و قد عرفت بما لا مزيد عليه أنه كالمقارن من غير انخرام للقاعدة العقلية أصلا فراجع‏»[[4]](#footnote-4) ظاهر کلام مرحوم آخوند بیشتر به این مطلب میل دارد که ایشان می­خواهد واجب معلق را توسط شرط متاخر تصحیح کند به گونه ای که اگر کسی شرط متاخر را محال دانست، واجب معلق را منکر می­شود. خود این مطلب یک بحثی است که آیا واجب معلق مبتنی بر قول به شرط متاخر هست یا نه؟ بعید نیست که مرحوم آخوند قائل به این ابتناء بشود.

به نظر ما نیاز به مقدمه شرط متاخر ندارد. ممکن است ما شرط متاخر را منکر شویم( تاثیر متاخر بر متقدم محال است و یا خلف لازم می­آید و ...) ولی واجب معلق را قبول کنیم. ادامه بحث جلسه آینده.

1. [اجود التقریرات، نائینی، ج1، ص132.](http://lib.eshia.ir/10057/1/132/الثالث) [↑](#footnote-ref-1)
2. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص103.](http://lib.eshia.ir/27004/1/103/ربما) [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره بقره، آيه 286. [↑](#footnote-ref-3)
4. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص103.](http://lib.eshia.ir/27004/1/103/غایة) [↑](#footnote-ref-4)